

مرتضی مدرسی چهاردهی

کورس بزرگ

از نظر يك محقق و مورخ

بزرگ انگلیسی

ه ج . ولز

« ۱۸۶۶ = ۱۹۴۶ میلادی »



ولز از نویسندگان و محققان بزرگ انگلیسی است، کتابی بنام تاریخ جهان تألیف نموده مورد توجه دانشمندان قرار گرفت و بارها چاپ و منتشر گشت، این کتاب معتبر و مشهور دوره تاریخ عمومی جهان را در بردارد، از لحاظ جلوه های تمدن انسانی بسیار با ارزش است، مهمترین حوادث اندیشه های آدمی را در اعصار و قرون نمودار ساخته است که چگونه بزرگان هر قوم و ملت ها بنای بزرگ تمدن را بنا نهاده اند، معماران دانش و فرهنگ بشری چگونه مردمی بودند، این کتاب نفیس بنام (دانستنی های تاریخ انسانیت) در چهار جلد بزبان عربی ترجمه دقیق شد، مترجم آن عبدالعزیز توفیق جاوید دانشمند مصری است.

محمد بدران و چند مترجم معروف دیگر قاهره هم ترجمه عربی کتاب را با اصل انگلیسی آن مطابقت نمودند، چاپ دوم کتاب در ۱۹۵۶ در قاهره شد، این گفتار ما ترجمه و گلچینی از آن کتاب نفیس است که حقا شاهکار تاریخ نگاری بشمارمی آید.

داستان اسیری کرزوس (قارون) بدست کوروش و فتح لیدی بکوش ایرانیان - دلیدی شهریاری بود که تشخیص داد نیروی تازه نفسی جمع آوری شده و در دست کوروش قرار گرفته است .

شهریار لیدی کرزوس نام داشت که فرزند او بوضع فجیعی کشته شد که هردوت آن را نقل مینماید ، درباره آن سخنی نمی گوئیم .

هردوت گوید : کرزوس بعد از آن حادثه دردناک در مدت دوسال برای ازبین رفتن فرزندش عزادار بود .

ولی توجه داشت که در این مدت کوروش چگونه فرزندکیا کسارس را از حکومت برانداخت و روز بروز بر قدرت و عظمت ایران زیاد می شد . کرزوس ناچار غم و اندوه را کنار گذاشت و تمام قوای خود را بکاربرد تا بهر وسیله که ممکن میشود نیروی ایران را ازبین بردارد! چه میدید همین جور قدرت ایرانی پرورش می یافت پیش از آنکه بآخرین قدرت و عظمت خود ایرانی نایل آید او می خواست مقاومت نماید ، از این جهت از تجربه های معابد گوناگون دریافت الهام می خواست تا چیزی دست گیرش شود !

کرزوس لیدی هارا مجبور کرد که عطایا و نیازها به معابد برند و از خدایان پرسش نمایند که آیا کرزوس بایرانیان یورش کند ؟ اگر اوضاع و احوال بدان روش گذرد آیا لازم است که گروهی از مردان سمیمی را به همراه سپاه اعزام دارد ؟ گروهی از مردم لیدی بسوی معابد شتافتند و نیازها و بخشش ها بخش کردند و نذورات به پیشگاه خدایان تقدیم داشتند .

از گیرندگان الهام پرسیدند که کرزوس شهریار لیدی و سایر ملت ها از در دوستی ما بین مردم خویشان را در معابد در معرض الهام قرار دادند ، عطایائی که شایستگی دارد تقدیم نمود تا پرده غیب را کنار زنند!

اینک از خدایان جويا میشود که آیا برای بار دیگر توانائی دارد که سپاهیانش بر علیه ایران مهیا شوند ؟!

اگر چنین است آیا گروهی دیگر از مردمی که دوستدار اویند با سپاه همسراه کنند ؟! این چنین پرسشی است که کرزوس از خدایان معابد دارد ؟!

ازقضا تمام پاسخهای مراکز الهام اتفاق داشتند و تأکید کردند که او می‌تواند شاهنشاهی بزرگ کوروش را براندازد!

هنگامی که جویهای مثبت را به نزد کرزوس بردند و همه اسرار الهام معبدها را شنید، آنگاه انتظار داشت که کوروش را از بین بردارد! برای اطمینان بیشتر دوباره گروهی را بسوی پی‌تیا (۱) روانه کرد، هدیه‌ها برای مردان دلفی (۲) فرستاد، بعد از آنکه اطمینان پیدا کرد که شمار اهل معبد دلفی چند نفر است برای هر يك از آنان دو قطعه طلا فرستاد که قیمت آن برابر ستاتیر بود (۳) در برابر نیاز های کرزوس و لیدی‌ها کهنه

۱ - یونانیان کاهنه اپولودا در دلفی پی‌تیامی خواندند، کاهنه مزبور نخست ازدوشیزگان انتخاب میشد ولی چندی بعد او را از میان زنان پنجاه ساله برگزیدند، پی‌تیا را مخصوصاً از میان زنان فقیر و بی‌اطلاع و گمنام دلفی انتخاب می‌کردند و همیشه عقیده خدایان در باب هرامری بواسطه او استفسار میشد، بدین طریق که پی‌تیا نزدیک گودالی که از آن دودکنند و عطریات بلند میشد می‌ایستاد و برگ غار در دهان می‌جوید، سپس در وی اضطراب و هیجانی که به گمان یونانیان ناشی از توجه خدایان بود پدید می‌آمد و کلماتی ادا می‌کرد که کهنه ثبت می‌کردند و آن کلمات را از جانب خدایان پنداشته کار می‌بستند. ص ۲۶۸ تمدن قدیم تألیف فوستل دو کولانژ ترجمه نصرالله فلسفی.

۲ - یکی از شهرهای قدیم یونان در دامنه جبال پارناس بوده است، آپولورا درین شهر معبدی بزرگ بود و رب‌النوع مزبور در آن معبد عقاید و آراء خویش را درباره هرامری از زبان پی‌تیا بمردم یونان می‌گفت شهر دلفی در سال ۲۷۹ پیش از میلاد بتصرف جمعی از سپاهیان کالیا درآمد. ص ۴۷۶ تمدن قدیم تألیف فوستل دو کولانژ فرانسوی ترجمه نصرالله فلسفی چاپ تهران ۱۳۰۹ خورشیدی.

۳ - ستاتیر پول قدیم بود که بزرگترین پول واحد طلا بشمار میرفت و در زمان باستان در بلاد آتن مصرف میشد.

اجازه دادند که لیدی ها حق تقدم داشته باشند و در مشورت با خدایان در معبد دلفی شرکت جویند و از تشریفات مذهبی معاف شوند و حق نشستن در جشنها و بازی‌ها هم داشته باشند .

امتیازات دیگری هم بدست آوردند که بمرور ایام برای لیدی‌ها باقی ماند تا آنجا که هر کس مایل بود مجاز بود که جایگاهی در معبد دلفی دارا شود، کرزوس قرارداد دوستانه دفاعی با کادوکیا و مصریان بست .

هر دوت پس از آن گویند : کرزوس ایرانیان را دنبال کرد از قضا در همان زمان یکی از لیدی‌ها که معروف بخردمندی و حکمت بود به کرزوس زینهارو پند می داد و بشهر یار لیدی چنین گفت :

شهر یار اتوانائی دارید که حمله بمردانی کنید که شلوارشان از چرم است .
 وسایر جامه هاشان هم چنین از پوست است . آنان خوراکی دارند که اشتها بدان ندارند با آنکه توانائی به دست آوردنشان را دارند ، در زمین و صحرا زندگانی می کنند ، گذشته از اینها شراب خوار نیستند بلکه بجای شراب آب می خورند ، انجیر در دسترشان نیست که حلوائی سازند که پس از خوراك شیرینی میل نمایند .

یاهر گونه خوراك خوبی را نمی خورند ! هر گاه فنج بانو باشد چیزی بدست نیآوری و چیزی هم ندارند که تادریافت کنید !

اگر آنان فاتح شدند درست دقت نما که چه چیزهای خوب و گرانها از ما به یغما برند !

هر گاه خوبی‌های ما را برای نخستین بار درك کنند بهر وسیله هست آنها را خواهند خواست و توانائی آن را نداریم که بشمار آوریم که چه از دست ما بیرون می رود !

از خدایان شاکرم که باندیشه ایرانیان نیافتاد که بما یورش کنند !
 بالاخره کرزوس و کوروش در جنگی که آن اندازه‌ها فاصله از « پتیریا » نداشت کشتارها کردند ، کرزوس از جنگ باز گشت !

کوروش او را دنبال کرد و بیرون از پای تخت « سارد » بهم برخورد

کردند! نیروی لیدی‌ها انحصار به سوارکاران بودند آنها سوارکاران ممتازی بودند گرچه غیر منظم بودند ولی در تیراندازی کشتار می‌کردند، زمانی که کوروش دید که لیدی‌ها صف‌ها برای جنگ تشکیل داده و آماده نبرد شدند مشورت با «هارپاجوس» را که یکی از مأموران بود بکار برد.

در آخر سپاه يك صف از شتران که کالارا حمل می‌کردند تشکیل داد ، سوارکارانی که ورزیده بودند در مقدمه سپاهیان که در جهت سوارکاران کرزوس قرار گرفته بودند ، در پشت سر سپاه بقیه شتران پیاده‌گان را قرارداد و فرمان داد که پیرو آنها شوند، در پشت سر پیاده‌گان سوارکاران کامل و مجهز را نهاد و هر يك از جنگجویان ایرانی در برابر جایگاه مخصوص قرار گرفت، دستور داد که مبدا هیچ يك از لیدی‌ها را زنده نگذارند و هر يك از آنان را که در راه ایشان قرار گرفت بکشند ، مبدا که کرزوس را به قتل رسانند، اگر مقاومت کرد کوشش نمایند تا زنده‌اش را دستگیر کنند چه اسب‌ها از شتران ترسند و پاری دیدن آنها را ندارند و نمیتوانند بوی شتران را استشمام کنند! این نیرنگ جنگی را بکار بردند تا آنجا که دیگری از سوارکاران کرزوس پیدا نبود!

این تنها نیروئی بود که شهریار لیدی انتظار برتری و فتوحات را از آن داشت ! مگر که جنگ بهم خورد بمجرد بر خورد سوارکاران لیدی با شتران دیگر آرزوی کرزوس بزودی از میان رفت ایرانیان به پایتخت (سارد) در مدت چهارده روز یورش کردند تا کرزوس را با سارت بردند . هنگامی که ایرانیان فاتح شدند شاهنشاه دستور داد که هیزم‌ها انباشتند و امر کرد کرزوس را کت بسته پای آن گذاشتند به‌مراه شهریار اسیر چهارده نفر از لیدی‌ها را بر سر هیزم‌ها نهادند !

آیا شاهنشاه ایران می‌خواست قربانی نخستین فتوحات خود را برای یکی از خدایان تقدیم دارد؟

با آنکه می‌خواست به نذر خود وفا کند !؟ آیا شنیده‌بود که کرزوس از خدا می‌ترسد ، می‌خواست او را در بالای انبوه هیزم گذارد تا به بیند چه می‌کند !؟

یسا آنکه می‌خواست بدانند که آیا یکی از نویسندگانی که در آن زمان می‌گذرد؟

یا بنا بر گفتار آنان می‌خواست به هدف خود رسد!

کرزوس بر بالای پشته هیزم با آن حال نزار و پریشان ایستاد و بیاد (سولون) حکیم افتاد که از خدا الهام گرفته بود! می‌گفت: مابین زندگان خوشبختی ادعائی بیش نیست باید عاقبت کار زندگی را دانست که چگونه می‌گذرد؟!؟

وقتی که بیاد گفتار او افتاد در اندیشه عمیقی فرو رفت و سر بحیب تفکر انداخت! دانست چه سخن بزرگی است. پس از آنکه مدت درازی خاموش بماند ناگهان سه مرتبه فغان بر آورد و گفت: سولون، سولون، سولون. در آن هنگامه کوروش صدای او را شنید بوسیله ترجمان پرسید چه کسی را صدا کرد؟! نزدیک وی شدند و پرسش کردند؟! کرزوس بازم مانند حالت نخستین مدتی خاموش شد!

وقتی که ترجمان با فشاری کرد در جواب گفت: او مرد دوست داشتنی بود و شایسته آن بود که بسیاری از ثروت خود را آدمی در راه او بشار کند! اگر او برای تمام شهریاران سخن می‌گفت چه خوب بود! این گفتار کرزوس مبهم بود!

دوباره از وی جویا شد که چه گوید؟! اصرار کردند و گفتند آسایش و سلامتی ندارد اگر چیزی نگوید؟!؟

آنگاه آنان را آگاه ساخت که سولون يك فرد آنتی بود که به نزد وی آمد و گفت آنچه را که اتفاق افتاده بود! گر چه سولون سخن اختصاصی درباره کرزوس نگفته بود و برای همه افراد بشر سخن می‌گفت و بند و اندر بحکیمانه میداد! بخصوص برای آنانی که بر عکس مردمی رفتار می‌کنند و خود را مردم خوش بخت می‌پندارند گفتار حکیمانه او درست آید.

کرزوس این داستان را گفت، آتش در خرمن هیزم افتاد و شعله آن

در اطراف زیانه کشیده ا کوروش هم بوسيله ترجمان آنچه را که شهریار اسپر گفته بود شنید ناگاه تنبیر عقیده داد و یقین دانست که اسیر او انسان است ا او پیش قدم از دیگر یاست و خوشبخت تر از وی نیست ا ولی آتش زیانه می کشید ، گذشته از اینها از مکافات عمل می ترسید دیدمان از چیزی ندارد که مردم دیگر دارند .

امر داد که هر چه زودتر آتش را خاموش کنند و کروزوس و همراهانش را از شعله سوزان نجات دهند ا هر چه کوشش کردند که اسیران را از شعله آتش نجات دهند قدرت نداشتند که بر شعله های آتش غلبه کنند ا پس از آن لیدیها برای کروزوس داستان شور انگیزش را برای وی حکایت کردند که چگونه کوروش شهریار ایرانی منصرف از سوخته شدن آنان شد و هر انسانی می کوشید که آتش را خاموش کند ولی توانائی خاموش کردن آتش را نداشتند و آتش همی زیانه می کشید و شهریار اسپر همی فغان برداشت و متوسل به اپولون شد ا بآن روزی که هدیه برای خدایان اپولون فرستاد و خدایان هدیه وی را قبول کردند ، اوست که وی را بزرگی دادواز شرارتی که در نهادش بود رهائی بخشید . همچنان زادی می کرد و سرشک از چشمانش سرازیر شد تا بحال بیهوش در افتاد ا در آن هنگامه آسمان صاف و هوا آرام و آسمان روشن بود ا

ناگاه ابرها زیاد شد و طوفانی گشت و رحمت الهی باریدن گرفت و باران تند و سیل آغا آمد و آتش را خاموش کرد ا آنگاه کوروش دانست که کروزوس دوستدار خدا و مردم نیکو کاری است فرمان داد که او را از انبوه هیزم پایین آوردهند و بوی گشت : مرا آگاه نماچه کسی ترا مفروز کرد که یورش بکشورم نمائی با آنکه دوستم بودی چرا دشمن من شدی ؟ گفت : شاهنشاه کاری انجام دادم که خوشبختی تود در آن بود و بدبختی من در آن ا

خدایان سبب شدند و مرا تشویق کردند که حمله ور شوم ا وقتی که نادانی انسان را بعدا نجا رسد که صلح را کنار گذارد و بجنگه پردازد ، فرزندان

راه و روش پدران خود را که بجاگرفته اند در هنگام صلح و آشتی انجام میدهند با آنکه شایسته است رویه پدران را در زمان جنگ انجام دهند ، عقیده دارم که نیروی خدایان از این حوادثی که این جور اتفاق افتاد شاد گشتند .

هردوت دانستنی های تاریخ را چه بسیار شیرین و دلکش نوشته است که ما از آن ماجرای کوروش رادر اینجا اقتباس کردیم بقیه داستان کوروش پندیات حکیمانرا به پیشگاه کورش تقدیم داشته و آنرا در صفحات کتاب هردوت بخوانید (۱)

هنگامی که لیدی تسلیم ایران شد کوروش متوجه نابونیداس در بابل شد ، سپاه بابلی بریاست فرماندهی بلشازارد در بیرون دیوار شهر بابل شکست خورد و ایرانیان حصار شهر را از بین بردند و در سال ۵۳۸ ق . م وارد بابل شدند (۲)

کلدانی ها

پادشاهی کلدانی ها که پایتخت آن بابل بود پادشاهی دوره دوم بابلی ، دزیر فرمان بنوخذنحصر ، بخت نصر بزرگ بود ، بخت نصر دوم وجانشینانش تا ۵۳۸ ق.م در آن دیار سلطنت داشتند تادر برابر یورش مؤسس دولت شاهنشاهی ایران از پا در آمدند (۳)

۱ - هردوت از مورخان بزرگ یونان قدیم است که ۴۸۴ سال پیش از میلاد در هالیکار ناس واقع در آسیای صغیر تولد یافت و در ۷۷ بمردهردوت در آغاز جوانی بواسطه مطالعه آثار مورخان زمان بر آن شد که راه سفر پیش گیرد و بسیاحت کشورهای که وقایع مهمه جنگهای ایران و یونان روی داده است پردازد و دوازده سال از عمر را بنگارش تاریخ گذرانید ، هردوت را پدر تاریخ می خوانند و تاریخ او از آثار گرانیهای یونان است .

۲- ۳۴۳-۳۴۹ معالم تاریخ انسانیت تألیف ه.ج ولز جلد دوم ترجمه

عبدالعزیز توفیق جاوید چاپ مصر ۱۹۵۹

۳- جلد اول ص ۱۶۳ دانستنی های تاریخ انسانیت تألیف ه.ج ولز

فتح بابل

ایرانیان آریائی بابل را به فرماندهی کوروش در ۵۳۹ ق.م فتح کردند و شاهنشاهی ایران تا مصر دامنه داشت، اگر چه این امتداد متزلزل بود و بدرازا نکشید. هم چنین قدرت و سلطنت کوروش با آسیای صغیر رسید (۱)

کوروش آزادی مذاهب را در بابل اعلام داشت:

بعد از انقضاء شصت و هفت سال از استیلای آریائی ها به نینوا منجر به تخلیه کلدانی‌های سامی از بابل شد، کوروش نبونید آخرین شهریار کلدانی دومین شهریار بابلی، را معزول کرد، نبونید پرورش خوبی داشت و دارای هوش بسیار و خیال سرشاری بود، در کارهای دولت فشار و محدودیتی روا نمی داشت، تحت تأثیر کاوشهای آثار تاریخی باستانی بود. نبونید شهریاری باوقار بود، نوشته‌های ثبت شده را توجه نمی کرد و خود مجدد دینی بشمار میرفت، معابد را بنا نهاد و انتظاماتی برای آن قرار داد، می‌خواست دیانت را در بابل تمرکز دهد، بت‌های محلی را به مجید بعل مردوک نقل مکان داد، دوائر دخالت‌های مذهبی او در شاهی وی سستی و متزلزل پدید آمد که چرا راه و روش مذهب را رها کرده است؛ شهریار بابل در این اندیشه بود که توحیدادیان را فراهم سازد؛ ولی حوادث و اتفاقات سرعت تحولات اجتماعی و سیاسی را فراهم ساخت، کاهنان بعل و دشمنانش از این کارها و دخالت‌های مذهبی شك و تردید پیدا کردند و احساس ناراحتی کرده و شورش راه انداختند؛ ایرانیان از فرصت استفاده نمودند و لشکریان کوروش بدون جنگ و کشتار وارد بابل شدند؛ شهریار بابل را اسیر کردند و بر درهای معبد بعل پاسبانان فارسی کشیک دادند تا مردم آزادانه شامی مذهبی خود را بدون جنگ و نزاع ادامه دهند.

در حقیقت کوروش بنای شاهنشاهی خود را در بابل از برکت نزاع بر سربت مردوخ داشت؛ کاهنان هم غریزه خود را در محافظت و نگاهداری راه و روش دینی خود می‌دانستند از این جهت خدایان محلی را دوباره در جایگاه سابق

خودشان که از دیر زمان معبدهای نیاکانشان بود قرار دادند، همچنین یهود به بیت المقدس بازگشتند تمام اینها بستگی به سیاست زوده گذر داشت ا
 هنگامی که آریائی های غیرمتدین وارد بابل شدند کاهنان قدیمی اماکن و جایگاه های متبرک و مقدس خود را به بالاترین قیمت خریداری کردند چه آنان سزاوارتر و نزدیک تر به بت بزرگه خودشان مردوخ بودند ، نمی -
 توانستند نظاره کنند که نبویند شهریار زندیق و صمیمی در تأسیسات تازه چه کارها که نمی کند ، چاره نداشتند مگر آنکه او را از بین بردارند، در برابر نیازمندی های زودگذر را ناچار با تدبیرات باری بهرجهت انجام دادند تا کوروش در ۵۳۹ بابل را گرفت و باختلافات مذهبی پایلن داد . (۱)

بنای معبد اسرائیل بهمراهی و توجه کوروش شد

بنای معبد اسرائیل در اورشلیم (بیت المقدس) بهمراهی و توجه کوروش فاتح ایرانی صورت گرفت ، فاتحی که نبویند آخرین حکمران کلدانی بابل را در ۵۳۹ ق.م برانداخت . (۲)

شاهنشاهی کوروش از لیدی تا فارس امتداد داشت چه بسا

به هندوستان میرسید

سالیان دراز جنگ های داخلی مابین مادها و فارس ها ادامه داشت تا عاقبت کار نوبت بقدرت کوروش فارسی رسید که بر تخت شاهی کیاکسارس مادی ۵۵۰ ق.م جلوس کرد، در این سال کوروش شاهنشاه بود ، حدود سلطنتش از لیدی تا فارس امتداد داشت چه بسا به هندوستان میرسید ، بنا به کاوش هایی که در آنند باستانی شده معبدها در کشور بابل بنا نهاد (۳)

۱- ص ۲۱۵ جلد اول دانستنی های تاریخ انسانیت تألیف ج. ه. ولز چاپ قاهره .

۲- ص ۲۷۴ جلد دوم دانستنی های تاریخ انسانیت تألیف ج. ه. ولز چاپ قاهره .

۳- ص ۳۴۳ جلد دوم دانستنی های تاریخ انسانیت تألیف ج. ه. ولز چاپ قاهره .